

آبِ تَتِي

زِير

آبِ شَارِ عَظَمَهَا

علی اشرف جلیلی

سرشناسه : جلیلی، علی اشرف، ۱۳۰۴
عنوان و اهتمام و نام پدیدآور : آبتنی زیر آبخار عاطفه‌ها / علی اشرف جلیلی
مشخصات نشر : تهران: کوهسار، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری : ۲۶۸ص، کاغذ ۱۶×۲۳ س م، پشت جلد مصور.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۵۲-۳۲-۲
وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : نامه‌ها در پاسخ به فراخوان علی اشرف جلیلی - در شکوه فراخوان
منشآت در پاسخ به فراخوان - تقدیرنامه‌ها و اشعار در کنار فراخوان

رده بندی کنگره : PIR ۷۰۳۴/ج۸۱۲ ۱۳۹۲ :
رده بندی دیویی : ۸۶۶/۶۲۰۸ :
شماره کتابشناسی ملی : ۳۲۸۸۳۹۵ :

*

آبتنی زیر آبخار عاطفه‌ها

اهتمام و پدید آورنده ازنامه های فراخوان : علی اشرف جلیلی. ۱-
ناشر: انتشارات کوهسار. ۲-

- نوبت چاپ اول : ۱۳۹۲ چاپ انتشارات کوهسار
- تیراژ: ۱۰۰ نسخه
- چاپ و صحافی: نارنجستان
- قیمت: ۱۷۰۰۰۰ ریال
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۵۲-۳۲-۲

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

مراکز بخش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهید منیری جابو، تقاطع زاندارمری، ساختمان دانشجو، پ ۶۱
تلفن: ۶۶۴۹۴۵۴۱-۶۶۴۱۷۴۲۵-۶۶۹۵۶۰۶۹-۶۶۹۵۶۰۶۹ فاکس: ۶۶۹۵۶۰۶۹
تهران ۲ خیابان انقلاب ۲ خیابان روانمهر بین خیابان فروردین و خیابان خنجر رازی پلاک ۱۰۸- کوهسار
تلفن: ۶۶۴۱۷۶۸۰-۶۶۴۶۵۴۲۶

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب برای این انتشارات محفوظ است و هیچ شخص حقوقی یا حقیقی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را بدون موافقت کتبی ناشر به هر صورت اعم از فتوکپی، نشر الکترونیک، جزوه و- ندارد و متخلفین به موجب بند ۵ ماده ۲ قانون حمایت از ناشرین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست

درآمدی بر فراخوان از دکتر عبد الرضا رادفر.....	۸
مقدمه از مولائی فر.....	۱۱
نامه‌ی فراخوان از علی اشرف جلیلی.....	۱۶
نامه‌های پاسخ به فراخوان.....	۱۸
نامه‌ی صالح حسینی.....	۱۹
نامه‌ی اردشیر کشاورز: درسی که استاد می دهد.....	۲۷
نامه‌ی اقبال ابراهیمی.....	۳۸
نامه‌ی علی اشرف بنی عامریان.....	۴۴
نامه‌ی نصرالله قهرمانی.....	۵۳
شعر کاووس خشنودی.....	۵۸
نامه‌ی علی اکبر مهرآرا.....	۶۲
نامه‌ی نرگس قنبری.....	۶۸
نامه‌ی پرویز فرهنگ.....	۷۱
نامه‌ی علی اشرف رجبی.....	۷۸
نامه‌ی اکبر مظهری.....	۸۳
نامه‌ی بهروز مظهری.....	۸۷
نامه‌ی کیومرث مؤیدی.....	۹۵
نامه‌ی علی اکبر نیک‌زاد.....	۱۰۲
نامه‌ی سید حسین کبیری.....	۱۰۶
نامه‌ی امری پور.....	۱۱۰
نامه‌ی یوسف فرهادپور.....	۱۱۷
نامه‌ی فرج‌الله حکمی کرمانی.....	۱۲۶
نامه‌ی محسن ظاهری.....	۱۳۰

- نامهی محمدسعید اعتمادی..... ۱۳۲
- نامهی مسعود خزاعی..... ۱۳۵
- شعر اقبال بنی عامریان..... ۱۳۷
- نامهی سیروس اخوان..... ۱۴۰
- نامهی علی اشرف رهبری..... ۱۴۴
- نامهی محب علی قبادی بیستونی..... ۱۵۰
- نامهی اشرف کتابی..... ۱۵۴
- نامهی هوشنگ باوندپور..... ۱۵۷
- نامهی جلیل آهنی..... ۱۶۰
- شعر جلیل آهنی..... ۱۶۱
- درشکوه فراخوان از علی اصغر ابراهیمیان..... ۱۶۴
- با حسرت باری ما، به یادزنده یاران درصاحبه..... ۱۹۸
- نامه ها و تقدیرنامه ها و اشعار..... ۱۹۹
- حکم پیشکسوت نمونه..... ۲۰۰
- نامهی حمید مقّدم..... ۲۰۲
- نامهی خلیل مظفری..... ۲۰۶
- نامهی حسن افشار..... ۲۰۸
- نامهی داریوش حیدری..... ۲۰۹
- نامهی محمدعلی سلطانی..... ۲۱۲
- شعر حشمت کلانتری..... ۲۱۳
- نامهی جمشید معتمدیان..... ۲۱۵
- تلگراف به جناب آقای فروغی..... ۲۱۶
- نامهی استاندار کرمانشاهان..... ۲۱۷

- ۲۱۸.....نامہ ی مرتضی داودزادہ.....
- ۲۱۹.....نامہ ی مہدوی.....
- ۲۲۰.....نامہ ی دکتر فیروزیان.....
- ۲۲۱.....گواہی نامہ انسیتو آموزش برنامه ریزی و مدیریت.....
- ۲۲۲.....نامہ ی صمدی.....
- ۲۲۳.....نامہ ی شجاع مرتضوی.....
- ۲۲۵.....حکم شوراہای حل اختلاف.....
- ۲۲۷.....حکم چہرہ ماندگار کانون از نشستگان آموزش و پرورش.....
- ۲۲۸.....نامہ ی ہرمزان فرہنگ.....
- ۲۲۹.....نامہ ی محمد فاتح.....
- ۲۳۲.....نامہ ی اقبال بنی عامریان.....
- ۲۳۵.....دست نوشتہ ی محسن عباسی.....
- ۲۳۷.....نامہ ی احمد حیدربیگی.....
- ۲۴۱.....نامہ ی علی محمد سلطانی.....
- ۲۴۳.....نامہ ی آذین حیدربیگی.....
- ۲۴۵.....شعر اقبال بنی عامریان.....
- ۲۴۷.....نامہ ی کیومرث مؤیدی.....
- ۲۵۳.....نامہ ی صالح حسینی.....
- ۲۵۷.....نامہ و دستخطِ ہوشنگ فرہنگی.....
- ۲۶۰.....مرقومہ و دستخطِ مبارک حضرت آیت اللہ حاج آقابزرگ امام جمعہ کنگاور.....
- ۲۶۳.....مرقومہ و دستخطِ حضرت آیت اللہ مرحوم حاج آقابزرگ امام جمعہ کنگاور.....
- ۲۶۶.....دستخطِ ہرمزان فرہنگ.....
- ۲۶۷.....ہمائی نامہ.....
- ۲۶۸.....درسہمِ اہتمامِ پدیداری کتاب.....

درآمد :

به نام دوست

مرحبا ای پیک مشتاقان بده پیغام دوست

تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست

وقتی که نامه های ارسالی به جناب آقای جلیلی در مجموعه ای صحافی نشده با عنوان آنتنی زیر آبشار عاطفه ها را برای اولین بار دیدم و خواندم در همان آغاز به یاد « کتاب نامه های بارانی » به کوشش مهدی کاکولی افتادم که در نشر شادیاخ چاپ و منتشر کرده بود. این کتاب در بردارنده بسیاری از زیباترین نامه ها و ماندگارترین نوشته های ادبی و تاریخی و از شخصیت هایی چون بالزاک، داستایوسکی، ولتر، ناپلئون، مارگز، فروغ فرخزاد، جلال آل احمد، سیمین دانشور و صمد بهرنگی و دیگران است که هر یک حاوی نکته ها و دقایق مؤثر می باشند یاد کرد این کتاب و نامه ها به عنوان درآمدی است بر مجموعه نامه ها که از طرف دوستان جناب آقای علی اشرف جلیلی به قصد پاسخ به فراخوان ایشان ارسال شده است.

بسیاری از این نامه ها حاوی نکات شخصی و رویکردهای حالات ماندنی و مؤثر از رفتارهای آموزشی و دقایق تربیتی در پروراندن فرزندان زیست بوم حضراتشان در سنقر و کلیایی و شهرستان کنگاور می باشد و یاد کرده های غرور آفرینی از منظره های متفاوت از معلمی، مدیری کارآمد و دل سوخته و همکاری بصیر و مهرورز و همه این ظریفه ها به نوبه خود در بردارنده گوشه هایی از برخوردها و بیم ها و امیدها و داوریه های عبور کرده از پیچ و خم معابر تاریک و روشن تاریخ است. که هر یک به نوبه خود شیرین و تأمل برانگیز می باشد و در همین خاطره های تلخ و شیرین گوارا و ناگوار بسیاری که ابراز شده بعضی از نکات موجود است که می تواند برگه هایی از اسناد و هویت تاریخ و فرهنگی شهرستان

کوچکی چون سنقر و کلیایی و کنگاور آن روزگاران باشد. بویژه یادکرد تأسف بار اما صد البته غرور آفرین به شلاق کشیده شدن جناب آقای جلیلی در میدان شهر و منظر همگان قبل از انقلاب اسلامی نمونه ای از بارزترین اسناد شفاهی در تاریخ حیات مبارزات مردمی و سیاسی این شهر خواهد بود.

شاید در آغاز به نظر برسد فراخوان استاد قدری ناآزموده و عجیب و بعضاً پرسش برانگیز نماید که مقصود چیست؟

بویژه برای کارآزمودگان و آگاهانی که آشنا به انواع نوشته های از اخوانیات و سلطانیات از انواع و گونه نامه نگاریها باشند و منشآت دیوانی تاریخ ادب این سرزمین را خوانده باشند ولی بعد از عبور از اولین نامه هایی که ارسال شده ناخودآگاه همراه عواطف و احساسات زلال و بی شائبه‌ی نویسندگان می شوی و همراه نکاتی از خاطرات بازگو شده آنان به سالیان دوری باز می گردیم که گویی خود در یکی از حالات سهیم و نقش آفرینی می کنیم بویژه اینکه با دیدگاههای متفاوت موضوعی واحد و دور و دیر از طرف افرادی باز کاویده و باز خوانی خاطرات نهفته و مانده گردیده است. که در بسیاری از این روایتها به تکرار نکاتی از وجوه متکثر شخصی و رفتاری اسناد جلیلی باز گو شده است که بی شک این ماندگاری در ذهن چیزی جز رفتارهای هنجار و مؤثر در امر تعلیم و تربیت در عرصه های فرهنگی و آموزشی شاگردان نبوده است.

دو نکته شاخص و روشن از استاد را شاگردان و همکاران برای تاریخ بیان کرده اند و آن دو نکته یکی سخنوری و دیگری توانایی نوشتار و بلاغت در نویسندگی جناب آقای جلیلی است که این قلم نیز گواهی می دهد این هر دو صفت را از ایشان در حد توانایی و اثرگذاری درنگ آفرین .

مرا نزدیک به دو دهه با ایشان افتخار آشنایی است و آنات و ظرایفی تازه و طرفه هایی نکته سنج و درایتی بصیر در نشستها و گفتارها و نوشته های ایشان با

نامه ها به علی اشرف جلیلی در پاسخ به فراخوان

وسواس دقت و نظم پی گیر و دغدغه‌هایی مثبت مشاهده کرده ام . نه به یک بار بل به تکرار آن هم در روزگاری که بسیاری نه سر این کار را دارند و نه انگیزه‌ای. اگر حوصله‌ای و مجالی حتی دست دهد همه این بازگویه ها برای این است که گفته‌اید که: فراخوان بدیع استاد جلیلی اگر چه در آغاز حسن و حالی شخصی در خود دارد اما به سرعت دامنه گسترده‌تری و از زمره اخوانیات کتابی خواندنی پر کشش و کوششی خواهد شد که در بردارنده نکاتی ارزشمند از آموزه‌های بین رشته‌ای در امر آموزش و تربیت و تعلیم و ادبیات و مردم‌شناسی جامعه شناسی و حوزه های فولکلور و قدر شناسی از ارزشهای خواهد بود که بیشترین آن حکایت عشق و زندگی و حافظ رمز پرداز نکته ساز فرمود:

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

دکتر عبدالرضا رادفر دی ماه ۹۱ کرمانشاه

مقدمه

هر زمان که قصد دارم در باب منزلت رفیع معلّم سخنی به میان آورم، به محض این که واژه‌ی گران سنگ و احترام‌برانگیز معلّم در سایه روشن حافظه‌ام نقش می‌بندد عبارت حکیمانه‌ی معمار انقلاب نیز تداعی می‌شود همان جمله معروف «معلّمی شغل انبیاست» اما بدون جوسازی صاحب این قلم، نه در مقام قیاس و تشابه ماهیت هدف الهی و غیر الهی این دو گروه از مربّیان در سطح جامعه، بلکه فقط در راستای یک بعد کوچک از ایفای نقش رسالت این رهبران اخلاق، حقیر معتقدست بلدای جایگاه معلّمان در حوزه‌ی مربّیگری و تربیت نسل کودکان و نوجوانان نسبت به خاستگاه خدایی پیامبران عظیم‌الشأن که از طریق وحی با خداوندگار عالم هستی ارتباط غیبی دارند، کمی با یکدیگر تفاوت دارد. زیرا در مدار نورافشانی از برینو معرفت و تربیت، هیچ معلّمی از منبع پرفیض الهام، مدرسانی ندارد. معلّم با دست‌هایی خالی از نیروی لایزال وحی الهی، فقط در سایه‌ی توکل به خدا، پیامبرگونه در مقام یک انسان با فضیلت اما عاشق، در حوزه‌ی تربیت، ردای پیامبری را با افتخار بر دوش افکنده است تا با اخلاص و از بن جان در لوای خورشید دانایی و ید بیضای «گنج و تخنه» سیاهی جهل را از لوح ذهن و ضمیر خواستاران علم و ادب پاک نماید. این جا همان نقطه‌ی افتراق شغل معلّمی با رسالت الهی انبیاست زیرا معلّم در فضای خطیر علم‌آموزی و تربیت (= تعلیم و تربیت) به قول حافظ شیرازی از «فیض روح القدوس» بی‌نصیب است.

فیض روح‌القدس از باز مدد فرماید

دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

استاد علی‌اشرف جلیلی که خود از زمره‌ی معلّم‌های موفق این مرز و بوم است، در یکی از نوشته‌های خویش به مناسبت بزرگداشت مقام معلّم آورده است:

نامه ها به علی اشرف جلیلی در پاسخ به فراخوان

« برای درک عظمت کار معلمی حیفم می آید به ذکر داستانی از معلم واقعی نپردازم . می گویند پیامبر اسلام (ص) روزی بر دو دسته از مردم وارد شد که یک دسته به پرستش خدا و دسته ی دیگر به پرسش و پژوهش در اطراف مسایل علمی سرگرم بودند، لختی به هر دو دسته نگریست. آنگاه در حلقه ی دانش پژوهان درآمد و فرمود: «من به معلمی مبعوث شده ام» و ابیات زیبای سعدی شاید اشاره به همین داستان باشد:

صاحب دلی به مدرسه آمد ز خانقاه

بشکست عهد صحبت اهل طریق را

گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود

تا اختیار کردی از آن این طریق را

گفت: آن گلیم خویش به در می برد ز موج

وین سعی می کند که بگیرد غریق را

اما هدف از به میان آوردن این مبحث، غریق را تجلیل از مقام معلم نیست، هرچند شأن معلمان و حقی که این بزرگواران بر گردن جامعه ی انسانی دارند ما را مؤظف می کند، همواره از کوشش و تلاش این استوانه های نجابت و پاکدامنی قدردانی نماییم. غرض اصلی، انعکاس بخش هایی از نامه هایی است که عده ای از محصلان قدیمی «استاد علی اشرف جلیلی» به ایشان در یک فراخوان عمومی نگاشته و ارسال نموده اند.

جناب استاد جلیلی انگیزه ای این فراخوانی را چنین توضیح داده است: «در یک روز آفتابی دم خیابان ورودی شهرک الهیه قدم می زدم، اتومبیلی در مقابلم توقف کرد جوانی موقر و متین از خودرو پیاده شد و با چهره ای متبسم به سوی من آمد. بعد از سلام، با اشتیاق دستم را در دست گرفت و برای اثبات علاقه به سختی فشرده و سپس بر صورت چروکیده ام بوسه